

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سر و خوارچند



دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی  
پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد  
رشته جامعه‌شناسی

عنوان:

بررسی تأثیر شهرگرایی بر ایستارهای فرهنگی - اجتماعی شهروندان  
شهر تهران

استاد راهنما:

دکتر سید یعقوب موسوی

استاد مشاور:

دکتر حسین ایمانی جاجرمی

دانشجو:

اعظم پاک خصال

تیرماه ۱۳۸۸

### چکیده

عنوان پژوهش حاضر « بررسی تأثیر شهرگرایی بر ایستارهای اجتماعی- فرهنگی شهروندان شهر تهران » می‌باشد. شهرگرایی به کیفیت متمایز اجتماع انسانی، یک شیوه‌ی اختصاصی زیست یا شیوه‌ی زندگی که ویژگی شهر است اشاره می‌کند. شهرگرایی برخلاف شهرنشینی یک فرایند رشد شهری

نیست بلکه مرحله‌ی نهایی و نتیجه‌ی شهرنشینی محسوب می‌شود. شهرگرایی با تأکید بر تئوری لوئیس ورت و نظریه‌های مکتب شیکاگو مورد مطالعه قرار گرفته است و شاخصهای نگرشها یا ایستارهای فرهنگی اجتماعی در این پژوهش از خودبیگانگی، عقلانی شدن کنش فردی، کاهش انسجام اجتماعی، کاهش پیوند عاطفی و افزایش فرد گرایی با تأکید بر نظریه‌های جامعه‌شناسانی چون وبر، مارکس، زیمل، و نظریه پردازان مکتب شیکاگو در نظر گرفته شده است. افزون بر این، متغیرهای زمینه‌ای تاثیرگذار بر نگرشها و ایستارهای اجتماعی-فرهنگی، مانند: سن، جنس، تحصیلات و وضعیت تأهل، نیز مورد بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق در این پژوهش پیمایش و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه می‌باشد. حجم نمونه ۳۹۰ نفر از افراد (اعم از مرد و زن) ۶۰-۲۰ ساله‌ی ساکن در پنج منطقه‌ی تهران است که نمونه‌ها بصورت تصادفی با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. در این پژوهش، چند فرضیه مطرح شده است. بر اساس فرضیه‌ی کلی ۱- بین شهرگرایی و از خودبیگانگی فرد از محیط شهری رابطه‌ی معناداری وجود دارد. ۲- بین میزان شهرگرایی و کاهش پیوند عاطفی شهروندان رابطه‌ی معناداری وجود دارد ۳- بین میزان شهرگرایی و کاهش انسجام اجتماعی شهروندان رابطه‌ی معناداری وجود دارد. ۴- بین میزان شهرگرایی و افزایش کنش عقلانی شهروندان رابطه‌ی معناداری وجود دارد. ۵- بین میزان شهرگرایی و افزایش فردگرایی شهروندان رابطه‌ی معناداری وجود دارد. جهت تبیین، این پنج فرضیه مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

یافته‌های پژوهش بر حسب محاسبه‌ی ضریب همبستگی پیرسون مبین وجود رابطه‌ی معنادار بین شهرگرایی و عقلانی شدن کنش فردی، کاهش انسجام اجتماعی و افزایش فردگرایی است. ولی بین شهرگرایی و از خودبیگانگی فردی و کاهش پیوند عاطفی رابطه معنی دار نبود.

**کلید واژه:** شهرگرایی، ایستار، از خودبیگانگی، عقلانیت، کاهش انسجام اجتماعی، فردگرایی

## فهرست مطالب

مقدمه..... ۱

## فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱- طرح مسئله..... ۲

- ۵-۲- ضرورت و اهمیت پژوهش..... ۵
- ۸-۳- پرسشهای پژوهش..... ۸
- ۸-۴- اهداف تحقیق..... ۸

## فصل دوم: مبانی نظری تحقیق

- ۹-۱-۲- تحقیقات پیشین..... ۹
- ۹-۱-۱-۲- تحقیقات داخلی..... ۹
- ۲۰-۲-۱-۲- تحقیقات خارجی..... ۲۰
- ۲۴-۲-۲- بررسی مفاهیم عمده‌ی نظری شهر و شهرگرایی..... ۲۴
- ۲۴-۱-۲-۲- تعریف شهر..... ۲۴
- ۲۷-۲-۲-۲- مفهوم شهرنشینی..... ۲۷
- ۳۰-۳-۲-۲- مفهوم شهرگرایی..... ۳۰
- ۳۳-۴-۲-۲- تحول روابط اجتماعی در شهر..... ۳۳
- ۳۸-۳-۲- آراء صاحب‌نظران و جامعه‌شناسان کلاسیک نظریه‌ی شهری..... ۳۸
- ۳۸-۱-۳-۲- فردینانز تونیز / اجتماع و جامعه..... ۳۸
- ۴۰-۲-۳-۲- امیل دورکهایم / فردگرایی و کاهش انسجام اجتماعی در شهر..... ۴۰
- ۴۵-۳-۳-۲- کارل مارکس، جرج زیمل، ماکس وبر / از خودبیگانگی در شهر..... ۴۵
- ۵۶-۴-۳-۲- جرج زیمل / غلبه نشانه‌های نمادین و کاهش پیوند عاطفی در شهر..... ۵۶
- ۶۹-۵-۳-۲- ماکس وبر / عقلانیت و دیوان سالاری در شهر..... ۶۹
- ۷۲-۴-۲- آراء صاحب‌نظران و جامعه‌شناسان معاصر نظریه‌ی شهری..... ۷۲
- ۷۲-۱-۴-۲- آنتونی گیدنز..... ۷۲
- ۷۹-۵-۲- رویکردهای نظری شهرگرایی..... ۷۹
- ۸۰-۱-۵-۲- رویکرد بوم‌شناختی شهری (مکتب شیکاگو)..... ۸۰
- ۸۲-۲-۵-۲- رویکرد جبرگرایی (اکولوژیکی)..... ۸۲

- ۸۴ ..... نیکلاس اسپایکمن - ۱-۲-۵-۲
- ۸۵ ..... رابرت ازرا پارک - ۲-۲-۵-۲
- ۸۶ ..... لوئی ویرث - ۳-۲-۵-۲
- ۹۳ ..... نظریه ضدیت با شهرگرایی - ۴-۲-۵-۲
- ۹۴ ..... رویکرد ترکیبی - ۳-۵-۲
- ۹۵ ..... اسکار لوئیس - ۱-۳-۵-۲
- ۹۶ ..... هربرت گنز - ۲-۳-۵-۲
- ۱۰۰ ..... رویکرد خرده فرهنگی - ۴-۵-۲
- ۱۰۰ ..... فیشر - ۱-۴-۵-۲
- ۱۰۵ ..... چارچوب نظری تحقیق - ۶-۵-۲
- ۱۱۲ ..... مدل تحقیق - ۷-۵-۲
- ۱۱۳ ..... فرضیات تحقیق - ۸-۵-۲

## فصل سوم: روش تحقیق

- ۱۱۴ ..... معرفی روش تحقیق - ۱-۳
- ۱۱۵ ..... تعریف مفاهیم و نحوه سنجش متغیرها - ۲-۳
- ۱۱۵ ..... متغیر وابسته - ۱-۲-۳
- ۱۱۵ ..... ایستارهای اجتماعی - فرهنگی - ۱-۱-۲-۳
- ۱۱۵ ..... متغیر مستقل - ۲-۲-۳
- ۱۱۵ ..... شهرگرایی - ۱-۲-۳
- ۱۲۳ ..... تعریف عملیاتی متغیرها - ۳-۲-۳
- ۱۲۳ ..... متغیر وابسته - ۱-۳-۲-۳
- ۱۲۴ ..... متغیر مستقل - ۲-۳-۲-۳
- ۱۲۵ ..... اعتبار و پایایی معرفها - ۳-۳

- ۱۲۷ .....۴-۳- واحد تحلیل
- ۱۲۷.....۵-۳- شیوه گردآوری داده‌ها
- ۱۲۸.....۱-۵-۳- جامعه‌ی آماری
- ۱۲۸.....۲-۵-۳- شیوه انتخاب نمونه‌ها و جمع آوری داده‌ها
- ۱۲۹.....۳-۵-۳- تعیین حجم نمونه
- ۱۳۰.....۶-۳- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها
- ۱۳۰.....۷-۳- جمع آوری و استخراج

### فصل چهارم: یافته‌های تحقیق

- ۱۳۱.....۱-۴- تحلیل توصیفی
- ۱۴۷.....۲-۴- تحلیل تبیینی
- ۱۴۷.....۱-۲-۴- آزمون فرضیات
- ۱۵۳.....۱-۱-۲-۴- رابطه بین شهرگرایی و از خود بیگانگی
- ۱۵۴.....۲-۱-۲-۴- رابطه بین شهرگرایی و عقلانیت
- ۱۵۵.....۳-۱-۲-۴- رابطه بین شهرگرایی و کاهش انسجام اجتماعی
- ۱۵۶.....۴-۱-۲-۴- رابطه بین شهرگرایی و کاهش پیوند عاطفی
- ۱۵۷.....۵-۱-۲-۴- رابطه بین شهرگرایی و فردگرایی
- ۱۶۸.....۲-۲-۴- تحلیل رگرسیون چند متغیره

### فصل پنجم: نتیجه گیری

- ۱۷۱.....۱-۵- مروری بر یافته‌های تحقیق
- ۱۷۵.....۲-۵- بحث و نتیجه گیری
- ۱۹۲.....۳-۵- پیشنهادات

## مقدمه

شهر به لحاظ نقشی که در زندگی انسان ایفا می کند از پدیده‌هایی است که پژوهشگران پیرامون ابعاد مختلف آن اعم از معماری شهری، جغرافیای شهری، مدیریت شهری، شهر سازی، طراحی و برنامه ریزی شهری، اقتصاد شهری و... به بررسی و کنکاش پرداخته‌اند. جامعه‌شناسی شهری هم از جمله

رشته‌های دانشگاهی است که «درباره‌ی برخورد و تماس زندگی شهری در اعمال اجتماعی و روابط اجتماعی، نهادهای اجتماعی و هر نوع ساخت اجتماعی که بر پایه‌ی اشکال شهری زندگی متکی باشد، بحث می‌کند» (ادیبی، ۱۳۵۶: ۱۷). ما نیز در این تحقیق شهر را به عنوان یک اجتماع انسانی و به لحاظ جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار می‌دهیم و شهرگرایی<sup>۱</sup> (شیوه‌ی زندگی شهری) و تاثیر آن را بر ایستارهای فرهنگی و اجتماعی شهروندان مورد مطالعه قرار داده و به توصیف و تکمیل جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی مرتبط با آن و تبیین و چگونگی انطباق و سازش افراد شهرنشین در شهر تهران می‌پردازیم. در راستای تحقیق پیرامون این موضوع، ابتدا طرح مساله و سوالات تحقیق بیان می‌شود و برای پاسخ به سوالات تحقیق ابتدا به تبیین تئوریک آن از طریق ارائه‌ی فرضیات می‌پردازیم، سپس جهت تبیین تجربی سوالات، فرضیات را بصورت تجربی بررسی می‌کنیم و در نتیجه یافته‌ها که حاصل مطالعه‌ی پیمایشی است به کمک جداول و نمودارهای آماری مورد بررسی قرار می‌گیرند.

---

<sup>1</sup> Urbanism

این واژه در متون فارسی تحت چند عنوان ترجمه شده است. صدیق سروسستانی (۱۳۶۹، ۱۳۷۱ و ۱۳۸۱) و شکوئی (۱۳۷۳) واژه شهرگرایی را به عنوان معادل فارسی آن به کار گرفته اند. ساروخانی (۱۳۷۰)، توسلی (۱۳۷۴)، پور رضا (۱۳۸۰)، جمشیدپها (۱۳۸۲)، فکوهی (۱۳۸۳) و مخبر (۱۳۵۸)؛ واژه شهرنشینی را به کار برده‌اند. ممتاز (۱۳۸۱) واژه شهری شدن را به کار گرفته است. بعضی از نویسندگان نیز همزمان در یک متن به جای این واژه هم شهرگرایی و هم شهرنشینی را به کار برده اند که می‌توان به ترجمه صبوری (۱۳۸۳) از کتاب «جامعه‌شناسی» گیلدنز اشاره کرد که در صفحه ۶۰۸ واژه شهرنشینی و در صفحات ۶۱۰ و ۸۱۴ واژه شهرگرایی را به کار برده است (عبداله پور، ۱۳۸۷: ۱).



# فصل اول

## کلیات

### ۱-۱- طرح مسأله

امروزه شهرنشینی به شکل غالب و قطعی زندگی انسانها بدل شده است. بیش از نیمی از جمعیت شش میلیاردی جهان ساکن شهرها هستند (UN-Habitat,2005:192) و این میزان در کشورهای

توسعه یافته و یا در کشورهای در حال توسعه با رشد بالا، بسیار بیشتر است و گاه به بیش از ۷۰ تا ۸۰ درصد جمعیت می‌رسد (Ibid: s 195).

تا سال ۱۳۴۴ اکثر جمعیت ایران روستایی بود، اما با ورود صنعت به کشور، تحولات اجتماعی سریع و شگرف این وضعیت را دگرگون ساخت، به گونه ای که اکنون ۶۸ درصد جمعیت کشورمان شهرنشین هستند. مطابق سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت شهری کشور ۴۸ میلیون و ۲۴۵ هزار و ۷۵ و جمعیت روستایی ۲۲ میلیون و ۲۲۷ هزار و ۷۷۱ نفر است. جمعیت استان تهران در سال ۱۳۶۵، هشت میلیون نفر بوده و در سال ۱۳۸۵ به بیش از ۱۳ میلیون نفر رسیده است. بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۷۵، ۶۱/۳ درصد مردم کشور در شهرها می‌زیسته اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۴). تعداد شهرهای دارای جمعیت صد هزار نفر و بیشتر، در سال ۱۳۷۵، به بیش از ۶۰ مورد رسید و اکنون نیز در حال افزایش است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۴).

می‌توان انواع ناهمگونی، عدم تجانس، ناهمخوانی، تضاد و ناسازگاری‌های ذهنی و عینی را در شهر مورد بررسی قرار داد و افزایش فاصله‌ی میان ساکنین و فضاهای ناآشنا و در بسیاری از موارد ناسازگار خود به معضل مهم شهری تبدیل گردد. گذشته از آن شهر مهمترین موضوع تولید و توسعه‌ی اشکال گوناگونی از ناسازگاری‌های میان جهان ادراکی و واقعیت بیرونی در محیط‌های شهری و بروز اشکال مختلف رفتار و سلوک متناقض شهروندی است که سبب گردیده است در دوران نوین به مسئله اصلی توسعه شهری تبدیل گردد (Saunders, 1987:24).

امروزه جوامع بشری به سبب رشد و توسعه‌ی کمی و کیفی روز افزون که به پدید آمدن شهرهای بزرگ و پر جمعیت منجر شده با مسائل تازه‌ای مواجه هستند که از فراوانی و تراکم جمعیت، نامتجانس و ناهمگون بودن آدمیان نشأت می‌گیرد. این عدم تجانس و ناهمگونی در شهرها، فاصله‌ی اجتماعی بین انسانها را علیرغم نزدیکی فیزیکی‌ای که دارند روزبه روز بیشتر نموده

و به همراه آن میزان همبستگی، ارتباط و توجه افراد نسبت به یکدیگر کاهش می‌یابد. افزایش امکانات و تسهیلات مربوط به حمل و نقل و ارتباطات شهری در ارتباط متقابل و تنگاتنگ با دو عنصر تراکم و تحرک جمعیت می‌باشد که معلول رشد جمعیت شهرنشین و رشد شهرهاست که این امر موجب جایگزینی روابط غیر مستقیم و ثانوی بجای روابط مستقیم و چهره به چهره‌ی انسانهای شهرنشین شده است (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹: ۲).

در شهرهای بزرگ صنعتی بیگانگی افراد را با هم به خوبی می‌توان احساس کرد، افراد به حکم مجاورت، با هم برخورد دارند اما بیشتر تماسها سطحی و عاری از گرمی و حتی گاهی نادلخواه است. عوامل متعددی در سطحی شدن روابط افراد در شهر دخیل می‌باشد، از جمله می‌توان به توسعه‌ی زندگی شهری، ماشینی شدن زندگی، ترقی روز افزون وسائل ارتباطی و گرفتاریهای روزمره اشاره نمود. وجود شهرگرایی نیز به عنوان یک عامل اجتماعی این روند را تشدید می‌کند.

در حال حاضر توسعه‌ی شهرنشینی و افزایش شکل‌گیری پدیده‌ی کلانشهر در غالب کشورهای در حال توسعه، فرایند تحول اجتماعی را با دشواریهای متعدد روبرو گردانیده است. تغییر الگوی زندگی و تمایل رو به افزایش اسکان در مراکز شهری به منظور استفاده‌ی بیشتر از خدمات و امکانات، توده‌های بیشتری را برای حل مشکلات ناشی از دگرگونی در قالبهای حیات طبیعی مجهز کرده است. مهمترین ویژگی تحول در نظام اسکان اجتماعی ظهور اشکال کاملاً جدید از روابط و مناسبات اجتماعی در مراکز شهری است که خود به تبع پیدایش نظام کار و سازمان تولید وضعیت متفاوت از گذشته‌ی اجتماعی را موجب گردیده است. جبر تحول شهری و تحمیل شرایط جدید در کلانشهرها بگونه‌ای است که بسیاری از نویسندگان آن را غیر قابل کنترل دانسته و معتقدند بنیاد کامل آینده‌ی بشر در شهر شکل می‌گیرد. چنانکه پارک به واقعیت شهر به عنوان مسکن طبیعی انسان در دوره‌ی نوین اشاره دارد و یا اینکه «در فرانسه نخستین بنیاد فکری جامعه‌شناسی در مقابل

دگرگونی‌های نوین اجتماعی چون صنعتی شدن، شهرگرایی و دیوان سالاری که آنها را حاوی پیامدهای مختل کننده می‌دانستند بوجود آمد» (ریترز، ۱۳۷۴: ۱۰-۷).

توسعه‌ی شهرنشینی نتایج و تبعات متعددی را همراه داشته است. افزایش امکان برخورداری از رفاه و توسعه اقتصادی، ایجاد فرصت‌های اجتماعی برای تمام گروه‌های جامعه، آزادی عمل و تصمیم در انتخاب شیوه‌ی زندگی و بسیاری از موارد مشابه دیگر، مکان جغرافیایی شهر را برای شهروندان به مکانی پذیرفتنی تبدیل نمود. اما دامنه‌ی نتایج تلخ اجتماعی همچون فزونی جرم و بزهکاری، رشد فردیت‌گرایی و از خودبیگانگی، افزایش فاصله‌ی اجتماعی و موارد بسیاری دیگر امکان توسعه‌ی پایدار زندگی شهری را با دشواری‌های ساختاری روبرو گردانیده است (موسوی، ۱۳۷۸: ۲۳).

شهرگرایی (شیوه‌ی زندگی شهری) دگرگونی در رفتار، منش و در نهایت ایستار شهروندان را ایجاد کرده است. اشکال مختلف و متضاد دگرگونی در ایستارها موجبات رفتارهای متناقض و بعضاً متضاد گردیده است به گونه‌ای که در حال حاضر کلان شهرها از لحاظ انسجام، عقلانیت و هویت در فرهنگ شهری دچار مشکل شده‌اند. از آنجایی که منابع زندگی شهری مختلف است در نتیجه گرایش‌ها و رفتارهای افراد نیز شبیه به هم نخواهد بود. تناقضات حیات شهری (ایستارهای فرهنگی متضاد و ناهمگن) به نحوی موجبات تهدید انسجام، پیوند و هویت شهری شهروندان را فراهم آورده است. مسأله‌ای که در تحقیقات کمتر به آن توجه شده رابطه‌ی بین شهرگرایی و ایستار فرهنگی و اجتماعی به منظور پی بردن به علل و چگونگی ظهور ایستارها و رفتارهای متضاد در شهروندان کلانشهری مانند تهران است.

## ۱-۲- ضرورت و اهمیت پژوهش:

در نظر گرفتن شهر-به مثابه یکی از مفاهیم کلیدی این پژوهش- از باب نشان دادن رابطه‌ای است که میان فضای زیستی و شیوه‌ی زیست انسانها با خواست‌ها و تمایلات اقتصادی، فرهنگی، روانی، اجتماعی و نیز روابط انسانها با یکدیگر وجود دارد. در واقع شهر نماد برجسته‌ی این رابطه است.

بررسی ایستارها یا نگرش‌های اعضای یک جامعه یا اعضای گروه‌های خاصی از جامعه نسبت به موضوع یا مسأله‌ای خاص همواره از نظر اندیشمندان اجتماعی دارای اهمیت ویژه بوده است. شناخت و تحلیل ایستارها یا نگرش‌ها از آن جهت دارای اهمیت است که محقق را در پی بردن به علل عمده‌ای که در پس رفتارهای اجتماعی است یاری می‌رساند. برخی از صاحب‌نظران ایستار یا نگرش را یک حالت عاطفی مثبت یا منفی نسبت به یک موضوع و یا نسبت به هر چیزی که می‌توانیم در ذهن خود مجسم کنیم تعریف کرده‌اند.

در رابطه با اهمیت موضوع مورد بررسی آنچه می‌توان بیان داشت این است که: **۱- اولین دلیل** عوارض و تبعات حاصل از شهرنشینی مدرن است که هرچه می‌گذرد آنچنان پیچیده و تودرتو می‌شوند که اکنون ما با شبکه‌ی درهم تنیده‌ای از مسائل شهری روبرو هستیم. از اینرو مقابله با مسائل شهری ضرورت وجود تخصصهای مختلف شهری را ایجاب می‌کند تا از زوایای مختلف به تحلیل و بررسی رابطه‌ی تغییرات و دگرگونی‌های شهری با عوارض و مسائل موجود و تأثیر آنها بر انسانها پردازند. توجه به این مسائل و عوارض با در نظر گرفتن این نکته که طی نیم قرن اخیر جهان شاهد گسترش بی سابقه‌ی شهرنشینی بوده است، نه تنها به مثابه توجه به حاکمیت وضعیتی مخاطره‌آمیز است که به تدریج همه‌ی جوامع را زیر سیطه‌ی خود می‌برد، بلکه مهمتر از آن وقوف به ضرورت برنامه‌ریزی‌های بهتر و دستیابی به ابتکارات و دیدگاههای جدیدتر برای حل بحران و عوارض زندگی

شهری است که به دلیل اجتناب ناپذیری توسعه‌ی شهری، آنها نیز اجتناب ناپذیر می‌نمایند. ۲- در رابطه با شیوه‌ی زندگی شهری در جامعه‌شناسی شهری دیدگاه‌های نظری گوناگونی شکل گرفته و این موضوع از اهمیت و جایگاه والایی در این رشته برخوردار است و در ایران در مورد شهرگرایی تحقیقات اندکی انجام شده است که از جمله می‌توان به تحقیق صدیق سروستانی (۱۳۷۱) و تا حدی به تحقیق نقدی (۱۳۸۲) اشاره کرد. همچنین تحقیق عبدالله پور در رابطه با وضعیت شهرگرایی در سردشت (۱۳۸۷). اما از آنجایی که محقق ساکن شهر تهران است و از نزدیک در جریان تحولات این شهر در زمینه شهرنشینی است در زمینه شهرگرایی یا شیوه زندگی شهری در این شهر تحقیقی انجام نشده است ۲- سومین دلیل را از قول حسین ادیبی این گونه می‌توان بیان کرد که زندگی شهری امروز بغرنج‌ترین شکل زیست انسانی با ابعاد مختلفش در طول تاریخ است (ادیبی، ۲۵۳۶: ۱۱) و از آن حیث که دربرگیرنده‌ی فرهنگها، گزینش‌ها، الگوهای رفتاری متمایز و تیپ‌های اجتماعی مختلف است، این طرح بر آن است که تأثیر شهرگرایی (شیوه‌ی خاص زندگی شهری) را بر ویژگی‌های رفتاری و ایستارهای فرهنگی - اجتماعی شهروندان تهرانی مورد بررسی قرار دهد.

این پژوهش از دو بعد نظری و کاربردی حائز اهمیت است. از بعد نظری، مفاهیم، رویکردهای نظری و تحولات مربوط به شهر و شهرگرایی و اهمیت تئوریک آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. از بعد کاربردی موجبات آشنایی بیشتر افراد را با مخاطرات زندگی شهری از نظر فرهنگی و اجتماعی فراهم می‌آورد و از لحاظ برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاریها، سازماندهی‌ها و .... متولیان و برنامه‌ریزان فرهنگی و اجتماعی را با تجربه‌ی ناشی از شهرگرایی آشنا می‌کند تا برنامه‌ها و طرحهای آتی را در رابطه با کاهش این مسئله و دستیابی به راه‌حل‌های قابل اجرا پی‌ریزی کنند و گامی در جهت بیان مسائل و مشکلات جامعه‌ی مورد پژوهش به زبان علمی برداشت. همچنین این پژوهش جهت روشن شدن ابعاد توسعه‌ی شهر، آشنایی با مسائل پنهان فرهنگی شهر و جنبه‌های جامعه‌شناختی توسعه‌ی

شهرگرایی و تأثیر آن بر ایستارهای فرهنگی شهروندان اهمیت و ضرورت دارد. بر این اساس طرح حاضر بر آن است تا با بررسی گوشه‌ای از مسائلی که مرتبط با پدیده‌ی شهرگرایی و مسائل اجتماعی و فرهنگی شهروندان تهرانی است، بتواند نقشی ولو اندک در این زمینه ایفا کند.

### ۱-۳- پرسشهای پژوهش:

۱. شهرنشینان تهران تا چه حد شهرگرا هستند؟
۲. شیوه زندگی شهرنشینان تهرانی در حوزه رفتارها و روابط اجتماعی تا چه حد دارای ویژگی‌های شهرگرایی است؟

۳. دامنه و گستره‌ی تأثیر شهرگرایی بر ازخودبیگانگی افراد شهر نشین چگونه است؟
۴. دامنه و گستره‌ی تأثیر شهرگرایی بر ابعاد کنش عاطفی شهرنشینان چگونه است؟
۵. دامنه و گستره‌ی تأثیر شهرگرایی بر کنش عقلانی افراد شهر نشین چگونه است؟
۶. دامنه و گستره‌ی تأثیر شهرگرایی بر افزایش فردگرایی افراد شهر نشین چگونه است؟
۷. دامنه و گستره‌ی تأثیر شهرگرایی بر کاهش انسجام اجتماعی افراد شهر نشین چگونه است؟

است؟

#### ۱-۴- اهداف تحقیق :

با توجه به سؤالاتی که مطرح گردید، در این تحقیق اهداف زیر مد نظر هستند:

- ۱- بررسی تأثیر شهرگرایی بر ایستارهای اجتماعی- فرهنگی شهرنشینان شهر تهران
- ۲- بازخوانی موضوع شهرگرایی در کلانشهر تهران و عوامل موثر بر میزان شهرگرایی شهرنشینان شهر تهران
- ۳- بررسی رفتار، نگرش، ایستار و دریافت انسانها از شهر و «خود»ی که در شهر شکل می‌گیرد.
- ۴- بیان ویژگی‌های شهر و انسان شهری و بررسی پیامدها و تبعات حاصل از زندگی شهری.



فصل دوم

پیشینه،

مروری بر

ادبیات و

چارچوب

نظری

لازم به ذکر است که تا کنون تحقیقی که بصورت مشخص و خاص به تأثیر جامعه‌شناختی شهرگرایی بر ایستارهای اجتماعی و فرهنگی شهروندان تهرانی پردازد، انجام نشده است، از این روی این تحقیق کاری جدید به حساب می‌آید. در این بخش به چند نمونه از تحقیقاتی که در زمینه شیوه‌ی زندگی در شهر انجام شده اشاره می‌کنیم تا با استفاده از سوابق تجربی موضوع علاوه بر نظریه‌های موجود بتوانیم چارچوب نظری مناسبی را برای ارائه فرضیات تحقیق، انتخاب کنیم. تحقیقات خارجی صورت گرفته در این زمینه دارای پیشینه‌ی طولانی است اما در ایران، تحقیقات کمتری در زمینه‌ی شیوه‌ی زندگی در شهر انجام شده است.

## ۱-۲- تحقیقات پیشین

### ۱-۱-۲- تحقیقات داخلی

#### پایان نامه

- عبدالله پور، جمال (۱۳۸۷)، بررسی جامعه‌شناختی وضعیت شهرگرایی شهر نشینان شهر سردشت، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

این پژوهش به این منظور انجام شده است که با توجه به روند افزایش شهرنشینی در شهر سردشت، شهر نشینان شهر سردشت تا چه حد شهر گرا هستند و میزان شهرگرایی آنها از چه عواملی تأثیر می‌پذیرد. برای دستیابی به هدف مذکور با توجه به آنچه در مباحث مربوط به سوابق نظری و تجربی موضوع تحقیق مطرح شده و مشاهده واقعیات، اینگونه فرض شده است که از منظر دیدگاه جبرگرایی با توجه به افزایش شهرنشینی در شهر سردشت و وجود جلوه‌های شهری، ساکنان آن دارای شیوه‌ی شهرگرایی هستند اما میزان آن در همه‌ی افراد یکسان نیست و بر اساس دیدگاه ترکیبی، بسته به ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مراحل چرخه‌ی زندگی افراد، میزان شهرگرایی آنها

متفاوت می‌باشد. بر اساس عوامل موثر بر شیوه‌ی زندگی شهری از دیدگاه ترکیب‌گرایی، ۹ فرضیه؛ مبتنی بر متغیرهای مستقل جنسیت، سن، وضعیت تاهل، اصالت خانوادگی شهری یا روستایی، سابقه‌ی زندگی در روستا، درآمد، تحصیلات، منزلت شغلی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی در رابطه با میزان شهرگرایی شهرنشینان شهر سردشت تدوین شده و جهت بررسی تجربی فرضیات تحقیق، از روش تحقیق پیمایش و تکنیک پرسشنامه‌ی مبتنی بر مصاحبه استفاده شده است. حجم نمونه این تحقیق ۲۸۹ نفر بوده که نمونه‌ها بصورت تصادفی با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چهار مرحله‌ای از محلات ده‌گانه‌ی شهر سردشت انتخاب شده‌اند. جهت تحلیل داده‌ها متناسب با سطح سنجش آنها، در سطح تحلیل توصیفی از آماره‌های توصیفی میانگین، انحراف استاندارد، میانه و همچنین علاوه بر آماره‌ها از جدول و در سطح تحلیل تبیینی، از ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تی، تکنیک‌های آماری چند متغیره و نمودار استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد میزان شهرگرایی شهر سردشت دارای وضعیت‌های متفاوتی است؛ تعداد افراد دارای شهرگرایی بالا، اندک است و بیشتر افراد از نظر میزان شهرگرایی در حالت متوسطی قرار دارند. همچنین فراوانی افرادی که شهرگرایی پائینی دارند یا به عبارت بهتر شهرگرا نیستند، نسبتاً بالاست. نتایج مربوط به آزمون فرضیات هم‌حاکمی از آن است که فقط سه متغیر مستقل دارای رابطه معنی‌دار با میزان شهرگرایی هستند. با انجام کنترل آماری بر روی رابطه این سه متغیر با شهرگرایی از طریق ضریب همبستگی تفکیکی، مشخص شد که سن نسبت به دو متغیر دیگر، رابطه‌ی قویتری با میزان شهرگرایی دارد.

- جمشیدی، فرانک (۱۳۸۴)، بررسی جامعه‌شناختی آسیبها و عوارض شهرنشینی مدرن در رمان‌های

فارسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا

این پژوهش بر یک مفروض و یک فرضیه ابتدا یافته است. آن مفروض این است که به موازات وسعت و تعمیق شهرنشینی یا شهری گرایی و جهت‌مند شدن آن به سمت نوعی زندگی مدرن، حیات انسانها به شکلی انکارناپذیر آسیب‌های متعددی را تجربه می‌کند. فرضیه‌ی این پژوهش این است که میان نوشودگی زندگی شهری و نوشدگی زبان انسانی که این تجربه را می‌زید، کم و بیش نوعی همزمانی وجود دارد. به منظور اثبات فرضیه‌ی مذکور، مراحل مختلف دو جریان تحول شهر و زبان - عمدتاً زبان نثر- دوره‌بندی شده تا شباهت‌های این دو دانسته شود که مزیت آن در این پژوهش بازنمایی تفاوت‌های برجسته میان جریان تحول شهر و نثر در ایران است.

پرسشهای پژوهش مذکور عبارتند از: (۱) آیا زبان رمان به شناخت ژرف روابط اجتماعی شهر و ترسیم تکثر زندگی شهری و تعیین‌های اجتماعی متفاوت و متضاد آن کمک می‌کند؟ (۲) آیا توانمندی زبان رمان در انجام این مهم، آمیخته به بیانی نوستالژیک و ناشی از ناامیدی از مشاهده چنین تحول عظیم تاریخی- اجتماعی است یا افزون بر آن، موفق شده است چشم انداز این تحول را تا حدودی ترسیم کند و راه‌های ممکن برون‌شد از ناامیدی و سرخوردگی را بازشناسد؟

این پژوهش نشان می‌دهد که شهر مدرن در غرب، تجربه‌ای است تابع محوری شدن نقش سرمایه و آگاهی به منافع حاصل از سرمایه، که خود به پیدایی دو طبقه مهم بورژوازی و پرولتاریا انجامید. به عبارت دیگر، بنای تشکیل طبقه، بنیاداً بر آگاهی - و آن هم آگاهی به سود و زیان - استوار است که نویسنده با اشاره‌ی ضمنی این تأکید، اهمیت تفرد در زندگی شهری مدرن را بیان می‌کند.

به این ترتیب آسیب‌هایی که از رهگذر این نوع زندگی شهری پدید می‌آید، همگی مولود محوریت سرمایه‌اند. رد و نشان این تفوق و برتری را می‌توان در آسیب‌هایی چون از خود بیگانگی، کاهش پیوستگی اجتماعی، عقلانی شدن جامعه، مادی شدن روابط، ناامنی هستی‌شناختی و جبریت